

انواع برنامه درسی

به طور کلی برنامه درسی به دو بخش رسمی (آشکار) و غیر رسمی (پنهان) تقسیم می‌گردد. برنامه درسی رسمی یا آشکار به برنامه‌ای اطلاق می‌شود که در مدارس در حال اجرا بوده و هر لحظه می‌توان از کم و کیف آن اطلاع حاصل کرد. مانند محتوای درسی ریاضی سال سوم راهنمایی که مقدار ساعت آن در هفته و کتاب آن، معلم آن، مدرسه آن و ... همه مشخص است.

برنامه درسی پنهان بخش پیچیده برنامه یادگیری فرد را تشکیل می‌دهد. به هیچ وجه نمی‌توان از مقدار و کم و کیف آن در زمان و مکان اطلاع پیدا کرد. می‌توان گفت که آدمی بیشتر از طریق برنامه درسی پنهان می‌آموزد. دانش‌آموزان وقتی به گرد هم جمع می‌آیند، از هر دری سخن می‌گویند، آنان در واقع تجربیات یادگرفته خود را به صورت غیر مستقیم در اختیار یکدیگر قرار می‌دهند. بنابراین:

برنامه درسی رسمی

برنامه درسی رسمی شامل موضوعات درسی و آموزش‌های مدرسه‌ای تلقی می‌شود.

برنامه درسی پنهان

برنامه درسی پنهان شامل تعاملات روان‌شناختی، هنجارها، پویایی گروه، احساسات، تجربیات، نگرش‌ها و علایق بین معلمان و دانش‌آموزان می‌باشد.

بنابراین میتوان گفت :

برنامه درسی به محتوای رسمی و غیررسمی، فرایند محتوا، آموزشهای آشکار و پنهانی اطلاق میگردد که بوسیله آنها فراگیر تحت تاثیر هدایت مدرسه، دانش لازم را بدست می‌آورد مهارتها را کسب میکند و گرایشها، قدرشناسی ها و ارزشها را در خود تغییر میدهد.

مقایسه برنامه درسی - آموزش - تدریس

به طور کلی، برنامه درسی طرحی است برای فراهم آوردن فرصت‌های یادگیری.

آموزش، ابزار یادگیری یادگیرندگان در جریان یادگیری است. در واقع آموزش فرصت طرح‌های یادگیری تلقی می‌گردد. بنابراین آموزش یعنی اجرای برنامه درسی یا عملیاتی نمودن برنامه درسی است. در هر جایی که برنامه درسی باشد، آموزش معنا می‌یابد و هر جایی که آموزش هست، حتماً برنامه درسی وجود دارد. یک آموزش خوب نیاز به یک برنامه درسی خوب هم دارد.

تدریس فعالیتی هدف‌مند است که به دنبال تحقق یادگیری می‌باشد. آموزش شامل هر نوع فعالیت یادگیری در زمان‌ها و مکان است. فرد وقتی روزنامه می‌خواند در واقع تحت آموزش نویسنده روزنامه قرار گرفته است. همین طور تمام فعالیت‌های انسان در طول زندگی او، مفهوم آموزش را به صورت غیر مستقیم به دنبال دارد. یعنی در طول زندگی خود تحت آموزش است و ممکن است از آن اطلاع نداشته باشد. ولی تدریس، آموزشی خاص و آگاهانه است که به وجود حداقل دو انسان نیاز است. یک نفر یاددهنده و یک نفر یادگیرنده.

بنابر آنچه گفته شد، می‌توان دریافت که آدمی در تمام عمر در حال آموزش و یادگیری است و بخشی از عمر خود در حال تدریس (به معنای خاص یادگیری) است. آموزش و تدریس هر دو لایه‌هایی برای برنامه درسی تلقی می‌شوند. باید توجه داشت که آموزش و تدریس را برنامه درسی به یکدیگر پیوند می‌دهد. در مقایسه کلی، عالم هستی، برنامه درسی است و آدمی آموزش‌های متفاوتی را از این برنامه دریافت می‌دارد. آموزش‌های اختصاصی آن شامل مدرسه و کلاس و دانشگاه است. شکل زیر نسب برنامه درسی، آموزش و تدریس را نشان می‌دهد.

مقایسه برنامه ریزی آموزشی و برنامه ریزی درسی

برنامه ریزی آموزشی

برنامه ریزی آموزشی educational planning عبارت است از سازماندهی فعالیت‌های آموزشی، تجهیز منابع انسانی و غیر انسانی به منظور تحقق اهداف آموزشی (سخت افزار)

برنامه ریزی درسی

برنامه ریزی درسی curriculum planning عبارت است از سازماندهی فعالیت‌های یاددهی و یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرندگان (نرم افزار)

به طور کلی برنامه ریزی درسی، جزیی از برنامه ریزی آموزشی حساب می‌شود. برنامه ریزی آموزشی محدود به برنامه ریزی درسی نمی‌شود، بلکه تمام جامعه را در بر می‌گیرد. برنامه درسی بیشتر در مدرسه و کلاس و محیط‌های آموزشی رسمی مورد استفاده است. بنابراین برنامه ریزی درسی بیشتر جنبه‌های کیفی (نرم افزاری) را شامل می‌شود و برنامه ریزی آموزشی (سخت افزاری) بیشتر جنبه‌های کمی فرآیند تعلیم و تربیت را در بر دارد.

نگرشهای اساسی برنامه درسی:

در مورد برنامه درسی، تعریف واحدی مورد توافق نیست نگرشهای اساسی به مفهوم و تعریف برنامه درسی عبارتند از :

۱- دیدگاه رشد و توسعه فرایندهای ذهنی عقلی:

برنامه ریزی درسی از جهت رشد و توسعه فرایندهای ذهنی نگریسته میشود. از نظر مدافعان این دیدگاه، مهمترین نقش و کارکرد مدارس عبارتند از :

الف: کمک به دانش آموزان برای اینکه چگونه یادگرفتن را بیاموزند .

ب: فراهم آوردن فرصتهای یادگیری بمنظور تقویت انواع مهارتهای و توانائیهای ذهنی براساس این دیدگاه انسان مجموعه ای از توانائیها و استعدادهای نسبت مستقل از یکدیگر، مانند قدرت استنباط، قدرت تحلیل، قدرت پیش بینی، قدرت حل مسئله، قدرت حفظ کردن و غیره تشکیل شده و فعلیت بخشیدن به این قوا توان برخورد مناسب را با مسایل به فرد اعطا میکند. حامیان این دیدگاه مخالفان سرسخت انتقال اطلاعات و دانش به دانش آموزان هستند. دراین دیدگاه به عوض محور قرار دادن محتوا به فرایندها توجه کرده و آنها را محور تعلیم و تربیت قرار میدهد. معلم نقش راهنما، تسهیل کننده فرایند یادگیری و غنی سازی محیط آموزشی را بر عهده دارد.

۲- منطق گرایی علمی:

از نظر این دیدگاه کارکرد اصلی مدرسه عبارت است از تقویت و رشد قوای ذهنی دانش آموزان در آن دسته از موضوعاتی که ارزش بالای یادگیری دارند و برخلاف دیدگاه قبلی بر محتوا تاکید دارد و معتقد است مدارس مکانهای خاصی هستند که رسالت آنها به عنوان نهادهای اجتماعی نباید بروز واکنش برای پاسخگویی به هرگونه شکل اجتماعی یا هوسها و احساسات شخصی یا گروهی باشد پاسخگویی به مسایل اجتماعی و اینکه موقعیت اجتماع چه چیزهائی را اقتضا میکند به هیچ عنوان ملاک تصمیم گیری در این دیدگاه نیست در این دیدگاه کارکرد مدارس، پرورش عقلی فرد ازطریق انتقال میراث فرهنگی و فراهم کردن زمینه فراگیری قویترین و غنی ترین دستاوردها و اثارعقلی بشر است .

۳-تحقق خود:

در این دیدگاه دانش آموز محور و منبع اطلاعات و تصمیمات برنامه درسی است و معلمان باید برنامه درسی خود را با هماهنگی و همفکری دانش آموزان تهیه کنند تا نیازها وعلائق دانش آموزان مد نظر باشد. بعبارتی برنامه درسی زائیده ی کنش و واکنش دوستانه میان معلم و دانش آموز است که فرایند برنامه ریزی موسوم به « معلم -دانش آموز » را تشکیل میدهد.

۴- بازسازی اجتماعی یا تطابق اجتماعی:

در این دیدگاه نیازهای جامعه بر نیازهای فرد مقدم است دو نظریه در این دیدگاه وجود دارد :

الف: نظریه حال نگر که معتقد است تعلیم و تربیت باید برای تطبیق وضعیت موجود اجتماع سوق داده شود.

ب: نظریه ی آینده نگر که معتقد است در عین اینکه برنامه های درسی باید بر مبنای نیازهای اجتماع بنا شود اما لازم است در عوض جامعه ی حاضر، به نیازهای جامعه ی مطلوب و آرمانی توجه کرد.

تحلیلی بر نگرشها و تعاریف برنامه درسی:

در برنامه درسی، نه اصالت به نیازها و خواهشهای فرد است و نه اجتماع اصالت دارد و نه فرایندهای ذهنی باید تنها محور برنامه قرار گیرد و نه میراث فرهنگی و انضباطها تنها دلیل وجودی مدارس را تشکیل میدهند بلکه با ایجاد اعتدال بین این ابعاد و عوامل، باید زمینه ای را برای رشد و اعتلای همه جانبه ی شخصیت خود فراهم نمود.

طراحی برنامه درسی

متخصصان حوزه برنامه درسی، به منظور تحقق بخشیدن به فعالیتهای خود و کسب موقعیت در تهیه برنامه های درسی مناسب، مجموعه فعالیتهای برنامه درسی را به دو بخش "طراحی" و "برنامه درسی" تقسیم می کنند.

در برنامه درسی "موضوع محور" یادگیری مکانیکی است هدفها و مراحل یادگیری قدم به قدم از قبل تعیین میشوند و برنامه درسی از قبل تعیین و سازماندهی میگردد. روش خطی است و بر حجم مطالب و محتوا تاکید بیشتری میشود تا بر فرایند یادگیری.

در برنامه های درسی "دانش آموز محور" ویژگیها و نیازهای یادگیرنده مورد توجه قرار میگیرد و آموزش بنا به ویژگیهای یادگیرنده انفرادی تر میشود.

درباره برنامه های درسی ”جامعه محور“ اصلاح و توسعه جامعه هدف اصلی است محتوای برنامه درسی از زندگی گرفته میشود و در فرایند یادگیری، روش حل مسئله مورد نظر است

عناصر مورد توافق برنامه درسی عبارتند از :

- اهداف
- محتوا
- مواد آموزشی
- راهبردهای یاددهی، یادگیری
- زمان
- فضا
- ارزشیابی